



philosophy of medicine بود و موضوع اصلی آن پیشنهاد modification هایی بود که به نظر نویسنده برای مقابله با بحران به وجود آمده در پزشکی مدرن - موفق نبودن در کسب رضایت بیماران با وجود همه پیشرفت‌های علمی و فناوری - لازم بود. خود آزمون هم با وجود همه نواقصی که داشت در مجموع جالب توجه بود. آزمون فردی شامل دو آزمون نوشتار فلسفی و دانش فلسفی بود؛ که بخش نوشتاری آن کاملاً خلاقانه و بدیع بود و شامل ارائه نوشتاری استدلالی برای دفاع از موضعی خاص در چند موضوع مرتبط با پزشکی (مثل اظهار نظر در مورد اعتبار طب‌های مکمل یا برنامه‌های اطلاع‌رسانی رسانه‌ها در حوزه سلامت و ...) بود. آزمون گروهی هم شامل مناظره با تیم‌های دانشگاه‌های دیگر حول موضوعات مشابه بود؛ هر چند داوری درست در مورد مناظره‌ها به نظر دشوار و شاید غیرممکن بود ولی در مجموع تجربه بسیار جالبی بود. مسئله دیگر این بود که امسال تعداد مدال‌ها کاهش پیدا کرده بود و از یک شیوه علمی برای محاسبه تعداد مدال‌ها برحسب عملکرد شرکت‌کنندگان استفاده شد؛ این موضوع باعث شد گرفتن مدال سخت‌تر شود و فرآیند اهدای مدال عادلانه‌تر شود. روی هم رفته حیطه مطالعات بین‌رشته‌ای امسال به علت جذابیت زیادی که موضوع آن - یعنی فلسفه پزشکی - داشت با استقبال

گفت‌وگو با دارنده مدال طلای هفتمین المپیاد علمی دانشجویان

مجتبی رضایی، دانشجوی سال سوم پزشکی و دارنده مدال طلا در حیطه فلسفه پزشکی هفتمین المپیاد علمی از تجربه حضور خود در این المپیاد علمی گفت.

- ضمن تبریک برای کسب این موفقیت بزرگ، ارزیابی شما از هفتمین المپیاد علمی دانشجویان علوم پزشکی کشور چگونه بود و سطح علمی المپیاد را چطور دیدید؟

- بنده از وضع سایر حیطه‌ها اطلاع زیادی ندارم ولی در مورد حیطه مطالعات بین‌رشته‌ای که امسال به فلسفه پزشکی اختصاص داشت، در مجموع وضع رضایت‌بخش بود. در فاصله چند ماه قبل از آزمون دو کارگاه وزارتخانه برگزار کرد و اطلاع‌رسانی در مورد نوع آزمون‌ها به شکل نسبتاً کاملی انجام شد. این باعث شده بود که اکثر شرکت‌کنندگان این رشته بتوانند خود را تا حد زیادی آماده کنند و در جلسه آزمون غافلگیر نشوند.

از طرفی منابعی که معرفی شده بود مباحث بدیع و جالب توجهی را مطرح کرده بودند، از جمله منبع اصلی ما که چهارفصل از کتاب Humanizing Modern Medicine: an introductory



- کلاس‌هایی که با هماهنگی با گروه تفکر نقاد برگزار شد، کمک‌های زیادی به شرکت‌کنندگان کرد و من می‌خواهم در اینجا از زحمات دکتر پاسالار و محمدی که تلاش‌های زیادی در زمینه آمادگی دانشجویان کردند و همین‌طور دکتر موسی پور که مدرس کلاس‌ها بودند تشکر فراوان کنم.

- برای دانشجویان علاقه‌مند به شرکت در المپیاد پروسه ثبت‌نام تا برگزاری المپیاد را توضیح دهید؟

اواخر نیمسال اول سال تحصیلی بود که ثبت‌نام شروع شد و آزمون غربالگری دانشگاه در نیمسال دوم، اوایل خردادماه انجام و بعد کارگاه‌های وزارتخانه تشکیل شد. بعد از آن کلاس‌های آمادگی برای المپیاد در مرکز رشد استعدادهای درخشان دانشگاه شروع و سپس المپیاد برگزار شد.

- و در پایان...

- متأسفانه برنامه‌های رسمی دانشگاه آن قدر فشرده است که فرصت زیادی برای خودآموزی در اختیار دانشجو نمی‌گذارد. با این حال من به دوستان پیشنهاد می‌کنم از همان فرصت‌های کمی که در اختیار دارند برای یادگیری آنچه لازم و موردعلاقه است استفاده کنند و به مسئولان مرکز رشد استعدادهای درخشان هم پیشنهاد می‌کنم با توجه به این که المپیاد زمینه‌ای نسبتاً مناسب برای استفاده از این فرصت برای خودآموزی به دست می‌دهد اطلاع‌رسانی بیشتری در سطح دانشگاه انجام دهند. ▲

گفت‌وگو با مدرس گروه معارف دانشگاه به مناسبت هفته دفاع مقدس

به مناسبت ایام هفته دفاع مقدس با عین‌الله عابدی مدرس گروه معارف دانشگاه و امام جماعت ساختمان شماره ۲ دانشگاه به گفت‌وگو نشستیم.

- ضمن تشکر از این که برای این مصاحبه وقت گذاشتید برنامه‌های فرهنگی دانشگاه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

- ممکن است من به برنامه‌های فرهنگی دانشگاه اشراف کامل نداشته باشم اما اولویت معاونت فرهنگی دانشگاه دانشجویان و استادان هستند و کارمندان در اولویت بعدی قرار دارند. به نظر می‌رسد که باید در این زمینه به کارمندان توجه کرد، زیرا فضای

زیاد دانشجویان مواجه شد و شور و شوق خاصی ایجاد کرده بود. همین موضوع باعث شد که مسئولان المپیاد تصمیم بگیرند سال آینده هم موضوع حیطه بین‌رشته‌ای، فلسفه پزشکی باشد.

- برای خوانندگان بفرمایید با شرکت در المپیاد چه تجربیات مفیدی به دست آوردید؟ آیا شرکت در المپیاد را به دانشجویان توصیه می‌کنید؟

- مجدداً عرض می‌کنم من فقط در مورد موضوع فلسفه پزشکی می‌توانم اظهار نظر کنم. مطالعه و تعمق در این موضوع برای دانشجوی پزشکی که بالاجبار ذهنش از fact های تجربی انباشته می‌شود فرصتی ایجاد می‌کند که هم توانایی‌های استدلالی و انتقادی خود را در طول دوره تحصیل از دست ندهد و هم در مورد مسائل مهم پزشکی به نتیجه‌گیری موجه برسد؛ این که در طبابت خود چقدر لازم است پایبند به گایدلاین‌ها باشیم و چقدر از روی شهود با مسائل روبه‌رو شویم، معنای صحیح احتمال یک تشخیص در مورد یک بیماری خاص چیست و فرق آن با ارقام مطرح شده در RCT ها چیست یا معنی صحیح علت «در یک بیمار خاص چیست و ... از مسائل بسیار مهم و در عین حال ساده و مقدماتی در فلسفه طب است که به نظر من برای هر پزشکی لازم است. در کنار مسائل علمی، مسئله برقراری ارتباط با دیگران هم بسیار مهم است. المپیاد فرصتی ایجاد کرد که دوستان زیادی از دانشگاه‌های سراسر کشور پیدا کنیم و از وضع علمی سایر دانشجویان کشور درک بهتری داشته باشیم و از دیدگاه‌ها و تجربه‌های همدیگر کمک بگیریم.

مسئله بعد کار گروهی بود. در المپیاد تأکید ویژه‌ای بر کار تیمی وجود دارد و یکی از تجربیات مفیدی که کسب کردم همین موضوع بود.

- به نظر شما علت موفق نبودن گروه در بخش تیمی چه بود؟

- دیگر اعضای تیم، سجاد موسوی و محمدحسین میرزایی دانش‌آموزی خیلی خوبی داشتند اما متأسفانه فرصت نکردیم از قبل هماهنگی زیادی بین همدیگر ایجاد کنیم. همین موضوع باعث کمی سردرگمی بین ما شده بود. بهتر است در سال آینده اعضا، تمرین بیشتری برای مرحله تیمی داشته باشند.

- کلاس‌های آمادگی شرکت در المپیاد که در مرکز رشد استعدادهای درخشان برگزار شد چه کمک‌هایی به شرکت‌کنندگان کرد؟





کارمندی زمینه‌ساز فعالیت‌های فرهنگی برای دانشجویان و استادان است و از آنجایی که استادان و دانشجویان در کنار کارمندان زندگی می‌کنند و به هم مرتبط هستند، اگر دیدگاه و برخورد کارمندان فرهنگی باشد تأثیر متقابل خواهد داشت.

و در باره آن تحقیق، مطالعه و پژوهش شود. بنابراین دفاع مقدس تنها یک مناسبت نیست بلکه مجموعه‌ای از ارزش‌های سیاسی فرهنگی و دفاع از مرزهای سیاسی یک تمدن است که به خطر افتاده و عده زیادی برای حفظ آن‌ها به دفاع پرداختند.

بنابراین برای دفاع مقدس کارهای زیادی باید انجام شود و کارهایی که دوستان به‌صورت نمادین انجام می‌دهند حداقل کاری است که انجام می‌شود تا مسئولان و مدیرانی که تأثیرگذارند یادآوری از آن دوران داشته باشند.

در دفاع مقدس مهارت‌ها و سبک زندگی و اخلاق زندگی سالم تجلی پیدا کرد، این اخلاق باید در دانشگاه‌ها تدوین و تدریس شود. دفاع مقدس بخشی از هویت تاریخ جمهوری اسلامی و حتی تاریخ شیعه است و در واقع بخشی از تاریخ نه‌تنها ایران بلکه تاریخ جهان است، زیرا تمام کشورها و قدرت‌های جهان جمع شدند تا با تمام ارزش‌های دینی و ملی ما بجنگند ولی همه آن‌ها به سبب غنایی که در ارزش‌های ما و انگیزش و اعتقادات جوان‌ها و ملت ما بود شکست خوردند و این موضوع مربوط به تمام جهان و انسان‌ها است.

- امروزه ما جوان‌هایی را در اطراف خود حتی در دانشگاه داریم که در زمان جنگ نبودند و مسائل جنگ را از نزدیک ندیدند. فکر می‌کنید با توجه به وضع فعلی که رسانه‌ها و فضای مجازی می‌توانند مشغولیت و جذابیت برای آن‌ها ایجاد کنند چگونه می‌توانیم با انتقال فرهنگ رشادت و جانبازی و دفاع از میهن به جوانان بعدی دین خود را به شهدا که در این ۸ سال هم از مرزهای جغرافیایی و هم‌مرزهای دینی و علمی و معنوی ما دفاع کردند ادا بکنیم؟

- این مسئولیت تنها به عهده کسانی که در دفاع مقدس بودند، نیست، بلکه این مسئولیت در مرحله اول به عهده کسانی است که هم‌اکنون در کشور مسئولیت دارند. درواقع مسئولان اجرایی و قانون‌گذاری کشور باید شاخص‌های ارزشی را از دل هشت سال دفاع مقدس بیرون بکشند، بدون این که این وظیفه را متوجه بخش خاصی به‌طور مثال بسیج با روابط عمومی بکنند و این ارزش‌ها را به ابعاد مختلف و بدنه مدیریتی کشور تزریق کنند. ما باید ارزش‌های دفاع مقدس را به کتاب بچه‌های پیش‌دستانی و سپس دبستان، دبیرستان و دانشگاه ببریم.

بنابراین اگر ارزش‌های دفاع مقدس در خون تمام بخش‌های مدیریتی، اجرایی و قانون‌گذاری و فضای سیاسی و اجتماعی کشور جریان پیدا

- هر سال برنامه‌هایی برای ایام دفاع مقدس اجرا می‌شود به نظر شما چه ویژگی در ایام دفاع مقدس وجود دارد که هر سال به آن پرداخته می‌شود ولی هر سال هم موضوعات جدیدی در آن پیدا می‌شود؟

- توجه داشته باشید که در دفاع مقدس مجموعه‌ای از ارزش‌های دینی و ملی ما وجود دارند که کهنه نمی‌شوند، درواقع ارزش‌هایی که وابسته به مکان و زمان نیستند نه‌تنها در کشور ما بلکه در دنیا داوطلب و خواهان زیادی دارد، ایثار همیشه زنده است و همیشه مشتری خود را دارد، چون از جمله ارزش‌هایی نیست که کهنه شود. دفاع مقدس ما فقط دفاع از مرز نبوده بلکه دفاع از ارزش‌های اسلامی و ملی بوده است. وقتی از دفاع مقدس حرف می‌زنیم فکر می‌کنیم عده‌ای متجاوز وارد مرز شدند و گروهی برای جلوگیری از ورود آن‌ها به مرز داوطلب شدند؛ خیر، دفاع مقدس تنها دفاع از مرزهای جغرافیایی نبوده. البته ظاهراً این‌طور بوده ولی در باطن دفاع از مرزهای فرهنگی و ارزشی و دفاع از دین و هویت ملی بوده است. به همین دلیل ما می‌توانیم ابعاد مختلفی برای دفاع مقدس ترسیم کنیم و بدین ترتیب دفاع مقدس تبدیل به یک دانشگاه جامع می‌شود که تمامی این ارزش‌ها باید در این دانشگاه تدریس،



مصاحبه با احسان شگری فرزند سنگر ساز بی سنگر و برگزیده جشنواره ابن سینا

هم‌زمان با فرارسیدن هفته دفاع مقدس و به‌منظور تجلیل از مقام سنگرسازان بی سنگر این بار به سراغ احسان شگری دانشجوی رشته اتاق عمل و فرزند یکی از مردان بی ادعا رفتیم تا علاوه بر یادآوری رشادتهای آن بزرگ‌مردان، گپ و گفتی دوستانه در خصوص علل موفقیت این آینده‌سازان داشته باشیم.

لطفاً خودتان را معرفی کنید.

احسان شگری متولد ۲۷ فروردین سال ۷۲ در شهرستان ملایر استان همدان و فرزند جانباز ۵ درصد هستم. من در مدارس نمونه دولتی تحصیل کردم و در سال ۹۰ با معدل ۱۹,۴۱ در رشته اتاق عمل پذیرفته شدم. البته آشنایی قبلی با این رشته نداشتم و تقریباً انتخاب چهارم من بود و چون به کارهایی از این قبیل علاقه دارم می‌دانم که می‌توانم در همین رشته به مقاطع بالاتر برسم. بنابراین از لحظه ورود به دانشگاه سعی کردم در رشته خود بهترین باشم. از نظر من موفقیت فقط قبول شدن در رشته‌های پزشکی نیست موفقیت یعنی در هر جایی که هستی بهترین باشی؛ و من هم تمام سعی خودم را کرده‌ام و از نتیجه تلاش خود راضی هستم.

کند کشور بیمه می‌شود. وظیفه مسئولان است که بستر را برای عزیزان جانباز و ایثارگر فراهم کنند تا آن‌ها بتوانند این فرهنگ را تبیین و منتقل و در این زمینه کمک کنند.

- در دانشگاه واحدهایی که مرتبط هستند مثل بسیج، ایثارگران و ستاد شاهد برنامه‌هایی دارند و از آن‌ها می‌توان به معرفی، گفت‌وگو و نمایش زندگی افراد ایثارگر به دیگران اشاره کرد، به نظر شما نقش دانشگاه به‌عنوان یک مرکز آموزشی-علمی در این موضوع که این فرهنگ را در درجه اول به دانشجویان سپس افرادی که با آن‌ها سروکار دارند منتقل کند چقدر است؟

- دانشگاه یکی از مجموعه‌های تأثیرگذار به‌ویژه از جهت علمی و فرهنگی است اما تنها یاد کردن و مناسبتی فکر کردن در مورد دفاع مقدس کافی نیست. این حداقل کاری است که در تمام دنیا انجام می‌شود و همه کشورها حداقل یک روز تحت عنوان روز دفاع ملی دارند. چیزی که مهم است این است که دفاع ملی ما با آن‌ها متفاوت است. ارزش‌های متفاوت و سبک زندگی که دینی باشد و در دفاع مقدس بروز کرده است باید مورد مطالعه و پژوهش دانشگاه باشد. فرهنگ جهادی و مدیریت جهادی که مقام معظم رهبری بارها بر آن تأکید داشته‌اند و فرمودند که در بحث اقتصاد مقاومتی مدیریت جهادی داشته باشید برگرفته از دفاع مقدس است. در دوران دفاع مقدس با حداقل امکانات رفاهی و کمترین انتظارات بیشترین بازدهی اتفاق افتاد. افرادی که به جبهه می‌رفتند هیچ انتظاری نداشتند و دفاع را وظیفه خود می‌دانستند. بنابراین اگر ما بتوانیم درباره این ارزش‌ها مطالعه کنیم و آن‌ها را به حوزه مدیریتی ببریم موفق می‌شویم.

دفاع مقدس تنها یادآوری آن ایام نیست بلکه باید کارهای مطالعاتی و بنیادی درباره آن صورت بگیرد و این ارزش‌ها احیا شوند و مراکز و نهادها و صداوسیما، آن را تبیین کنند و ترویج دهند و در ادامه در بدنه مدیریتی کشور اعمال شوند. روش‌های مدیریتی دفاع مقدس روش‌های ابتکاری و خلاقانه بوده و با ارزش‌های دینی ما سازگار است اما اکنون آن‌ها کمرنگ شده است. نکته دیگری که وجود دارد در رابطه با وظیفه ما در قبال قهرمانان کشور است. کسانی که در دفاع مقدس حضور داشتند قهرمانان ملی ما هستند و ما باید در دستگاه‌های اداری و نیز در فضای اجتماعی به این نکته توجه داشته باشیم و این عزیزان را تکریم کنیم. ▲



- آیا پدر شما در زمان جنگ ازدواج کرد؟

- بله پدرم در زمان جنگ ازدواج کرد و مادرم با علم به این که ممکن است همسر خود را از دست بدهد با شجاعت این مسئله را پذیرفت و با پدرم ازدواج کرد. خواهر و برادر بزرگ‌ترم در دوران جنگ به دنیا آمدند، ولی این مسئله باعث نشد پدرم دست از عقاید خود بردارد و به وظیفه خود عمل نکند. او و سایر هم‌زمانش فقط به بچه‌های خودشان فکر نمی‌کردند. آن‌ها حاضر شدند بدترین مشکلات را تحمل کنند ولی نگذارند آینده فرزندان این کشور تباه شود. آن‌ها فرقی بین فرزندان خود و دیگران قائل نبودند. آفرین بر این زنان و مردان بی‌باک که با تحمل تمام رنج‌ها و سختی خم به ابرو نیاوردند. این طرز تفکر و اعتقادات معنوی در وجود رزمندگان ما و خانواده‌هایشان بود که باعث شد بی‌توجه به مشکلات زندگی شخصی‌شان، وصیت‌نامه خود را بنویسند و عازم جبهه‌ها شوند و آینده این کشور را تضمین کنند. من خودم شخصاً جنگ را لمس نکرده‌ام و بعد از تمام شدن جنگ به دنیا آمده‌ام ولی وقتی به آن زمان فکر می‌کنم و می‌بینم پدرم و هم‌زمانش با چه رشادتی توانستند با دست خالی در مقابل ارتشی که دنیا آن را مجهز کرده بود و حمایتش می‌کرد بایستند احساس مباهات می‌کنم. پدرم در خاطراتش از دوستان شهیدش یاد می‌کند و این که چطور با تمام وسایلشان و وصیت‌نامه‌هایشان می‌سوختند و گاهی حتی قابل شناسایی نبودند ولی هیچ‌کدام حاضر نشدند دست از آرمان‌هایشان بردارند و جبهه را ترک کنند. همین روحیه استقامت و پایداری در وجود این عزیزان بود که باعث شد انقلاب ما بیمه شود.

- لطفاً از نحوه جانبازی پدرتان برایمان بگویید.

پدرم متولد سال ۱۳۳۹ است. دوران سربازی پدرم مقارن شد با شروع جنگ. پدرم با میل و رغبت پا در راهی گذاشت که شاید برگشتی برایش متصور نبود. پدرم از اواخر سال ۵۹ به جبهه اعزام شد و بعد از پایان خدمت سربازی بنا به درخواست خودش به گروه جهاد سازندگی پیوست و در خط مقدم جبهه جزء سنگرسازان بی‌سنگر بود ولی در سال ۶۷ در حین سنگر سازی مورد حمله شیمیایی قرار گرفت و به درجه جانبازی نائل شد. اکنون نیز بازنشسته جهاد کشاورزی است.

- حس و حال خود را بعد از شنیدن خبر قبولی در دانشگاه برایمان

بگویید.

- من از همان کودکی به کارهای عملی علاقه زیادی داشتم و تصورم این بود که در این کارها موفق‌تر هستم البته طبیعی است که دوست داشتم در رشته پزشکی پذیرفته شوم و پذیرش این مسئله در ابتدا برایم سخت بود ولی بارانمایی پدرم به این نتیجه رسیدم که راه‌های زیادی برای پیشرفت وجود دارد و نباید ذهنمان را درگیر این جور مسائل کنیم. خوشبختانه راه ادامه تحصیل تا مقاطع بالاتر در تمام رشته‌ها باز است و ما در تمام زمینه‌های علمی احتیاج به نیروی متعهد و متخصص داریم. مهم این است که نباید بگذاریم میل به تحصیل و دانستن در درون ما فروکش کند. به همین دلیل هم‌اکنون در حال برنامه‌ریزی برای شرکت در رشته کارشناسی ارشد هستیم و خوشبختانه چون جزء دانشجویان برتر و استعداد درخشان هستیم مشکلی از جهت ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر ندارم.

- نقش والدینتان را در موفقیت خود چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- من فرزند آخر خانواده هستم و همان‌طور که می‌دانید حساسیت به فرزند آخر بیشتر است. من علاوه بر این که از حمایت‌های مادر و پدرم برخوردار بودم از وجود خواهر و برادر بزرگ‌ترم که دلسوزانه به امور درسی من رسیدگی می‌کردند نیز فیض می‌بردم. البته حضور در یکی از مدارس نمونه و بسیار خوب هم برایم نعمت بزرگی بود. ما در مدرسه از معلم‌های بسیار خوبی برخوردار بودیم و فضای مدرسه هم کاملاً رقابتی بود و این خود باعث می‌شد که در فضای رقابتی خوبی قرار بگیریم. دوتا از دوستانم که با من درس می‌خواندند همان سال در رشته پزشکی همین دانشگاه پذیرفته شدند. البته در خانه هم فضای خوبی برای مطالعه برایم فراهم بود و مادرم از بسیاری از تفریحات و میهمانی‌هایش برای من چشم‌پوشی کرد. والدینم از همان کلاس اول ابتدایی پایه‌های من و با من درس خواندند و تا جایی که توانستند به من کمک کردند. ناگفته نماند که درس خواندن در خانه ما اجباری نبود چون هرگز نمی‌توان کسی را به‌زور به درس خواندن وادار کرد. خودمان به‌صورت خودجوش درس خوان بودیم و والدینمان هم نهایت سعی خود را کردند. جا دارد همین‌جا ابتدا از پدر و مادرم که با صبر و تحملشان سهم بزرگی در موفقیت‌هایم داشتند و خواهر و برادر

مناسبی نمی‌دانم، چون این کار احتیاج به برنامه‌ریزی فرهنگی گسترده‌تری دارد. امیدوارم روزی برسد که این عزیزان جایگاه واقعی خود را در جامعه پیدا کنند و تصورات اشتباه حاکم بر جامعه که بر دوش این عزیزان سنگینی می‌کند از دوششان برداشته شود.

- نحوه‌ی پذیرش شما در نخستین جشنواره دانشجویی ابن‌سینا چگونه بود؟

- در بیست و نهم مهرماه سال ۹۳، یکی از دوستانم مرا مطلع کرد که دانشگاه قصد دارد نخستین بار جشنواره ابن‌سینا را، که در سال‌های گذشته تنها برای استادان برگزار می‌شد، برای دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران و تحت عنوان نخستین جشنواره دانشجویی ابن‌سینا برگزار کند. پس از مطالعه وب‌سایت مربوط به جشنواره و اطلاع یافتن از محورهای مختلف آن (آموزشی، پژوهشی، ورزشی و ...)، تصمیم گرفتم در بخش آموزش شرکت کنم. از این‌رو، رزومه آموزشی خود مشتمل بر کارنامه آموزشی، مدارک زبان انگلیسی، سوابق تدریس و ... را برای جشنواره ارسال کردم تا هیئت‌داوران بررسی و ارزیابی کند. در نهایت، شانزدهم آذر ماه همان سال به‌عنوان برگزیده نخستین جشنواره دانشجویی ابن‌سینا در بخش آموزش معرفی شدم. همچنین، در چهارمین جشن یکپارچه دانش‌آموختگان دانشگاه علوم پزشکی تهران که شامگاه سه‌شنبه ۱۲ خرداد سال ۹۴ در تالار بزرگ وزارت کشور برگزار شد، به‌عنوان دانش‌آموخته برتر دانشکده پیراپزشکی در مقطع کارشناسی معرفی شدم.

- شما که فرزند جانباز هستید چه انتظاری از جامعه دارید؟

- من هیچ انتظاری از کسی ندارم. تنها خواسته‌ام از نسل جوان کشور این است که بیشتر با اعتقادات ایثارگران آشنا شوند و نگذارند خدای ناخواسته نقش رشادت‌های آنان در پیچ‌وخم زندگی روزمره فراموش شود. اگر ما بتوانیم این حس و حال را همیشه زنده نگه‌داریم کشور خود را بیمه کرده‌ایم. آنچه دشمن از آن می‌ترسد تبدیل شدن کشور ما به یک الگو در منطقه و در جهان است، زیرا اگر بیدار باشیم و حس رشادت داشته باشیم دیگر هیچ زورگویی نمی‌تواند به حريم ما تجاوز کند و علاوه بر به یغما بردن سرمایه‌های ملی کشورمان خون فرزندانمان را نیز بریزد.

به یاد داشته باشیم پدران ما در زمان خودشان الگوی ایثار و فداکاری بودند، بنابراین انتظار عمومی جامعه از ما این است که رنگ و بویی از رشادت پدرانمان در کارها و اعمالمان باشد. ▲

بزرگ‌ترم که همواره محبت بی‌دریغشان را نثارم کردند صمیمانه تشکر کنم و از خداوند برایشان سلامت و سعادت آرزو کنم.

- نظر شما در مورد دوست خوب چیست؟

- خوشبختانه من دوستان خوبی دارم و فکر می‌کنم این خواست خدا بوده که من در این مسیر قرار بگیرم. من از همان بدو ورود به دانشگاه توانستم دوستان خوبی پیدا کنم. البته ما آشنایی قبلی با هم نداشتیم ولی توانستیم خیلی خوب با هم کنار بیاییم چون تقریباً از نظر اعتقادی و فکری شبیه هم هستیم و بقیه تضادهایمان را با تعامل خوبی که بین ما به وجود آمده بود کم‌رنگ کردیم. پیامبر می‌فرماید: هر کس که خداوند برای او خیر بخواهد، دوستی شایسته نصیب وی خواهد کرد و من هم داشتن چنین دوستان خوبی را مرهون الطاف الهی و دعای خیر پدر و مادرم هستم.

- آیا از فضای خوابگاه می‌توان به‌عنوان مانعی در مقابل ادامه تحصیل نام برد؟

- البته خوابگاه هم خوبی‌ها و بدی‌های خودش را دارد و این بستگی به ما دارد که چه جور به آن نگاه کنیم. زندگی در فضای خوابگاه از آدم فرد پخته‌تر و عاقل‌تری می‌سازد؛ فردی که باید روی پای خودش بایستد و خودش مشکلاتش را به‌تنهایی حل کند. خوشبختانه من در خوابگاه با دوستان خوبی هم‌اتاق شدم و به مشکل بزرگی برخورددم. ما در خوابگاه رعایت حال هم را می‌کردیم. شاید در تمام طول تحصیل من فقط یک‌بار از سالن مطالعه خوابگاه استفاده کرده باشم. خب قرار گرفتن باهم کلاسی‌ها در یک اتاق می‌تواند از دو جهت بررسی شود. اگر باهم رابطه خوبی داشته باشیم و با هم بخوریم و بخوابیم و درس بخوانیم فضای خوابگاه تبدیل به محیطی دوستانه می‌شود و جو حسادت جای خودش را به رقابت و دوستی می‌دهد، ولی اگر نتوانیم حس تعامل را در خود و دیگران به وجود آوریم زندگی در خوابگاه تبدیل به جهنم می‌شود.

- نظر شما در مورد استفاده از سهمیه چیست؟

- با توجه به این‌که زندگی خانواده جانبازان و ایثارگران واقعاً سخت و دشوار است و مانند مردم عادی نیست، بنده به‌شدت قائل به وجود تسهیلاتی برای این خانواده‌ها هستم؛ ولی همان‌طور که خودم از سهمیه استفاده نکردم، وجود سهمیه در پذیرش دانشگاه‌ها را راه‌کار

